



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۳۰ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۴۶

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۲. تورم - آثار تورم - دو نکته - اثر اول: توزیع بی ضابطه درآمد و ثروت

جلسه: ۱۸

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

آثار تورم

ما تاکنون درباره بعضی از مسائل مربوط به تورم، مطالبی را عرض کردیم. اینکه تورم به چه معناست و بر اثر چه عواملی پدید می آید و دارای چه انواع و اقسامی است؛ یکی دیگر از مطالبی که مناسب است در این مقام طرح شود، آثار و پیامدهای تورم است. برای تورم آثار مختلفی ذکر کرده اند؛ این آثار هم اقتصادی است و هم اجتماعی و فرهنگی و هم سیاسی.

نکته اول

وقتی ما سخن از آثار و پیامدهای تورم به میان می آوریم، قهراً این در طیف گسترده ای از انواع تورم قابل رسیدگی است؛ ولی نظر ما بیشتر به آن اقسامی است که از حد متعارف فراتر است. چون ما گفتیم تورم در حد ۲-۳ درصد نه تنها امر نامطلوبی نیست بلکه برای رشد اقتصادی و حفظ انگیزه تلاش و کوشش در حوزه اقتصاد، لازم است و باید باشد. تورم منفی خودش یک آثاری دارد؛ تورم متعارف یک آثاری دارد؛ ما فارغ از این تقسیم بندی و اینکه مثلاً انواع تورم هر یک چه آثار اختصاصی دارند، می خواهیم به آثار تورم اشاره کنیم. پس منظور از آثار و پیامدهای تورم که در این مجال مورد اشاره قرار می گیرد، تورم فراتر از حد متعارف است؛ تورم منفی الان محل بحث نیست؛ تورم متعارف ۲-۳ درصدی محل بحث نیست. آن چیزی که الان موضوع بحث ماست، تورم های خارج از این حد است. حالا این شامل تورم شدید می شود؛ شامل تورم بسیار شدید می شود؛ شامل تورم کششی تقاضا یا تورم فشاری هزینه یا تورم ساختاری می شود؛ شامل تورم آشکار و پنهان می شود. اگر رکود تورمی یا ابرتورم هم پیش بیاید، طبیعتاً مشکلات مضاعف خواهد بود. لذا معلوم باشد که ما چه چیزی را می خواهیم در اینجا آثارش را ذکر کنیم. سایر موارد از این بحث خارج است. مقصود آثار مشترک تورم به نحو عام است، و الا رکود تورمی خودش مثلاً یک آثار اختصاصی دارد که در انواع دیگر پیدا نمی شود؛ یا مثلاً ابرتورم یک آثار اختصاصی دارد که در سایر انواع و اقسام مشاهده نمی شود. تورم به معنای عام و آثاری که برای آن ذکر می شود، آثار عمومی است.

از این منظر، تورم دارای پیامدها و آثار نامطلوبی است که ما به بعضی از اینها اشاره می کنیم. اینکه این اثر درجه اول باشد یا اثر درجه دوم، این خیلی مهم نیست؛ آن آثاری که نوعاً به عنوان قدر متیقن از پیامدهای نامطلوب تورم مطرح می شود، اینها را ذکر می کنیم.

نکته دوم

مطلب دومی که مناسب است یادآوری کنم، این است که تورم آثار همه جانبه دارد؛ یعنی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار است. از نظر اجتماعی احساس بی عدالتی، احساس تبعیض و گسترش آسیب های اجتماعی، طبیعتاً

مخاطراتی را برای جامعه ایجاد می‌کند. این روی آموزش اثر دارد، در آموزش عالی اثر می‌گذارد؛ در روابط خانواده اثر می‌گذارد؛ طیف وسیعی از مشکلات را در عرصه اجتماعی ایجاد می‌کند؛ از نظر فرهنگی قهراً آثار خاص خودش را دارد؛ آسیب‌های فرهنگی که به دنبال دارد. از نظر سیاسی مخصوصاً اگر تورم گسترش پیدا کند و شدید شود، احتمال بحران‌های اجتماعی، بحران‌های سیاسی، شورش‌های طبقاتی که از ناحیه تورم آسیب می‌بینند، گسترش اعتراضات و اگر خدای نکرده به حد خیلی بالا برسد، حتی نظام سیاسی را می‌تواند تهدید کند. لذا مسئله تورم و آثار آن در ابعاد مختلف قابل بررسی است. این یک تحقیق مبسوط و مفصل می‌خواهد که در هر بخشی ببینیم چه پیامدهای منفی دارد؛ در بخش فرهنگی، در بخش اجتماعی، در بخش سیاسی، چه آثاری به دنبال خواهد داشت. این آثار عمدتاً برمی‌گردد به تأثیرات مستقیمی که تورم در بخش اقتصادی دارد. لذا ما در مقام ذکر آثار تورم، بیشتر بر آثار اقتصادی تورم متمرکز می‌شویم. این را هم عرض کردم تا عنایت بفرمایید ما این آثار را محصور و منحصر در این بخش نمی‌دانیم؛ این یک مسئله‌ای است که مخصوصاً با توجه به اینکه مسئله تورم یک مشکل فراگیر در عرصه بین‌المللی است و بسیاری از کشورها و دولت‌ها با آن مواجه‌اند، در ابعاد مختلف به آن توجه شده است. مقوله آثار تورم در اخلاق فردی و اجتماعی، یک مقوله‌ای است که الان درباره آن کتاب‌ها نوشته شده است؛ نه فقط در ایران، در خارج از ایران و چه بسا آنجا بیشتر از داخل کشور ما به این موضوع پرداخته‌اند که تورم و اخلاق چه نسبتی با هم دارند. یا مثلاً مقوله تورم و فروپاشی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ اصلاً مقوله فروپاشی یک مقوله بسیار مهمی است؛ فروپاشی اجتماعی خودش یک امری است که ذهن اندیشمندان و جامعه‌شناسان بسیاری را در دنیا به خودش جلب کرده است. لذا ما بیشتر روی این بخش متمرکز هستیم که آثار اقتصادی آن را ملاحظه کنیم.

اثر اول: توزیع بی‌ضابطه درآمد و ثروت

یکی از مهم‌ترین آثار اقتصادی تورم، توزیع بی‌ضابطه درآمد و ثروت است. حال تورم چه ربطی به توزیع درآمد و ثروت دارد؟ توزیع درآمد و ثروت خود به خود مولود یک فعالیت اقتصادی است. درآمد به هر حال محصول یک تلاش اقتصادی است؛ حالا یا در بخش تولید یا در بخش خدمات. طبیعتاً درآمد در یک شرایط سالم با یک ضابطه‌ای توزیع می‌شود؛ اگر درآمدها در شرایط عادی توزیع شود، اگر بستر و زمینه آن فراهم باشد، تا حدودی در جای خودش قرار می‌گیرد. اما در جایی که تورم بالاست یا خیلی شدید است، نتیجه‌اش بی‌عدالتی و تبعیض و ظلم به اقشار مختلف جامعه است. بالاخره اگر درآمد بالا برود، این درآمد طبیعتاً بین اقشار مختلف به نوعی توزیع می‌شود. اما در شرایط تورمی، یک عده درآمدها را شدیداً افزایش پیدا می‌کند و یک عده درآمد و ثروتشان شدیداً کاهش پیدا می‌کند. این یعنی فاصله طبقاتی شدید و شکاف بیشتر بین فقیر و غنی؛ اینکه ما می‌بینیم روز به روز یک عده‌ای ثروتمندتر و دارا تر می‌شوند و به ثروت‌های نجومی دست پیدا می‌کنند، و یک عده سطح درآمد و زندگی آنها روز به روز پایین‌تر می‌رود، یک بی‌عدالتی و ظلم آشکار به افراد مختلف جامعه است. وقتی شکاف بین فقیر و غنی زیاد شود، آثار خطرناکی هم از نظر اجتماعی و هم فرهنگی و هم سیاسی دارد.

گروهی که اکثریت جامعه هستند، حقوق‌بگیران ثابت، معلمان، اساتید دانشگاه، کارمندان، کارگران، که تقریباً اغلب افراد یک جامعه را اینها تشکیل می‌دهند، اینها بسیار متضرر می‌شوند؛ چون خیلی کالاهای سرمایه‌ای ندارند؛ نهایتاً یک ماشین و خانه دارند، تازه اگر هم داشته باشند. این فوقش این است که قیمت آن در اثر تورم بالا می‌رود؛ یا یک کسی خانه‌ای را ده سال

پیش مثلاً ۱۰۰ میلیون خریده و الان ۵ میلیارد شده است؛ درست است قیمت این خانه افزایش پیدا کرده، اما این خانه برای او قابلیت تبدیل به دارایی دیگر را ندارد، چون او در آنجا زندگی می‌کند؛ تازه اگر از همین حداقل هم برخوردار باشد. خیلی‌ها که خانه هم ندارند، وقتی قیمت‌ها اینطور افزایش پیدا می‌کند، دیگر امکان تهیه مسکن و خانه برای آنها فراهم نیست؛ امکان تهیه اتومبیل برای آنها فراهم نیست. در همین داستان گران کردن قیمت خودرو در چند روز گذشته، اینطور می‌نویسند که تاکنون خانه داشتن محال بود، حالا ماشین داشتن در کنار مسکن یک آرزوی دست‌نیافتنی شد. به هر حال قشر وسیعی از جامعه به شدت در شرایط تورمی آسیب می‌بینند و ضرر می‌کنند؛ درآمدهای ثابت با افزایش‌های حداقلی، برای پوشش دادن هزینه‌های زندگی کافی نیست. لذا اکثریت افراد جامعه با این مشکل مواجه می‌شوند. حالا اینکه این خودش چه آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌کند، بماند؛ خود همین که نمی‌توانند زندگی کنند. مثلاً خط فقر را الان مراکز رسمی چند اعلام می‌کنند؟ درآمد بسیاری از حقوق‌بگیران ثابت ما، زیر خط فقر است؛ با این آمار که به طور رسمی اعلام می‌کنند. اینکه من ایران را مثال می‌زنم، نه اینکه این اثر فقط مربوط به اینجا باشد؛ همه کشورهایی که شرایط تورمی را تجربه می‌کنند، با این مشکل مواجه‌اند. منتها اینکه تورم چه نرخ داشته باشد، در عمق داشتن یا نداشتن این اثر دخیل است.

در مقابل، یک عده‌ای که اقلیت را تشکیل می‌دهند، به ویژه کسانی که در دایره امور بازرگانی و خدماتی و دلالتی فعالیت دارند، درآمدهای آنها به شدت افزایش پیدا می‌کند؛ حتی تولیدکنندگان یعنی کسانی که در کار تولید هستند، آنها هم خیلی بهره‌مندی از این ثروت ندارند. اگر بخواهد تولید داشته باشند، بالاخره این تورم در ناحیه هزینه‌ها به آنها هم فشار می‌آورد و این تورم فشاری هزینه‌ها باعث مشکلاتی برای آنها می‌شود.

پس مهم‌ترین اثر تورم، در چگونگی توزیع درآمد و ثروت است. این توزیع به صورت ناعادلانه صورت می‌گیرد؛ اینطور نیست که کسی نشسته باشد و به یک عده کم بدهد و به یک عده زیاد بدهد. خود به خود این بستر فراهم می‌شود که کسانی بهره‌مندی‌های بسیار بالا داشته باشند (که اینها در اقلیت هستند) و اغلب افراد جامعه از حداقل‌ها هم محروم شوند. این مهم‌ترین اثر تورم است. البته عرض کردم که اگر تورم شدید باشد، اینجا بیشتر این مشکلات خودش را نشان می‌دهد و اگر ضعیف‌تر باشد، طبیعتاً مشکلات کمتر است.

این خود ابعاد مختلفی دارد؛ مثلاً ما اگر بخواهیم طبق اصطلاحاتی که دایر و رایج است، جامعه را از نظر مالی طبقه‌بندی کنیم، طبقه ضعیف و متوسط و ثروتمند؛ طبقه متوسط در شرایط تورمی روز به روز لاغرتر و ضعیف‌تر می‌شود؛ یعنی جامعه به سمت این می‌رود که دو طبقه بیشتر نداشته باشد. نه اینکه صد در صد از بین برود، ولی طبقه متوسط با اینکه قاعدتاً باید اغلب مردم در طبقه متوسط باشند، اغلب می‌روند به طبقه فقیر و ضعیف. آن وقت این خودش از نظر جامعه‌شناختی آثار مهمی دارد؛ اینکه اساساً در یک جامعه و در یک کشوری وجود طبقه متوسط چه فایده‌ای دارد و نبودش چه خطراتی دارد؛ گسترش طبقه فقیر که بیشتر مثلاً در حاشیه‌های شهرها و در شهرهای اقماری شهرهای بزرگ، اینها وقتی اجتماع پیدا می‌کنند انواع مشکلات هم برای محیط زندگی خودشان و هم برای دیگران پیش می‌آورند. آمار جرم و جنایت و سرقت، انواع و اقسام تخلفات بالا می‌رود.

پس توزیع درآمد و ثروت در شرایط تورمی کاملاً بی‌ضابطه می‌شود؛ این باعث می‌شود که طبقه متوسط روز به روز کوچک‌تر

شود و این شکاف عمیق تر و بیشتر شود. شکاف فقیر و غنی در این حد که مثلاً یک وعده غذای یک خانوار به اندازه تمام درآمد یک ماه یک خانواده باشد، چقدر اثر روانی می‌گذارد؟ یک مجلسی که مثلاً در این طبقه غنی و ثروتمند می‌گیرند و خرج آن به اندازه یک سال درآمد یک خانواده فقیر است، این بسیار خطرناک است وقتی این احساس تجمیع و زیاد می‌شود؛ فرو بردن بغض‌ها سرانجام ممکن است یک جایی به یک شکل دیگری سر باز کند. بالاخره کودک یک خانواده فقیر در جامعه زندگی می‌کند و بعضی رفتارها را می‌بیند؛ وقتی جلوه‌های رفتاری اینها بیشتر و متنوع تر شود، قهراً آن حس تنفر و تحریک قوه انتقام و انگیزه دستیابی به آن امکانات را در این شخص قوی می‌کند. لذا برای اینکه انتقام بگیرد، دست به یک کاری می‌زند؛ برای اینکه خودش به آن نقطه برسد، یک کارهای دیگری می‌کند. انواع و اقسام مفاسد از دل این شکاف پدید می‌آید؛ شاید مهم‌ترین اثر تورم و پیامد منفی توزیع ناعادلانه و بی‌ضابطه درآمد و ثروت است، که من در حد بسیار مختصر به این اشاره کردم. درآمد ثابت است، درآمد کم نمی‌شود، ولی وقتی نتواند آموزش را با این درآمد بگذارند، این هیچ فرقی با کم شدن درآمد ندارد. آن دارایی‌هایی هم که دارد را نمی‌تواند حفظ کند؛ چون باید همه را صرف زندگی خودش کند. این اثر و پیامد بسیار خطرناک برای تورم است.

سؤال:

استاد: اینها به هم وابسته است؛ یعنی وقتی ارزش پول کاهش پیدا می‌کند و قدرت خرید کم شود، حقوق‌بگیران ثابت، هر چه درمی‌آورند باید مصرف کنند؛ امکان پس‌انداز که ندارند هیچ، امکان خرید کالای سرمایه‌ای ندارند هیچ، حتی گاهی مجبور هستند که ماشین و خانه را هم بفروشند. بعضی‌ها بودند که خانه خودشان را در زمان ارزانی فروختند تا تبدیل کنند و یک خانه بهتری بخرند؛ اما یک دفعه قیمت مسکن جهش پیدا کرد؛ یک پولی در دستشان ماند که با آن به اندازه یک اتاق خانه قبلی‌شان نمی‌توانستند خانه بخرند. اما کسانی که درآمدهایشان در این شرایط از نظر عدد و رقم بالا می‌رود، اینها این پول را همینطور که نگه نمی‌دارند بلکه تبدیل می‌کنند به کالای سرمایه‌ای؛ یا زمین، یا ارز، یا طلا. خود این به مرور افزایش قیمت پیدا می‌کند. لذا درآمد و ثروت بی‌ضابطه و ناعادلانه توزیع می‌شود، یکباره می‌بینید کسی یک شبه ره صد ساله را می‌رود؛ به معنای واقعی کلمه ثروت بادآورده در اینجا تحقق دارد. خیلی‌ها هستند که در کارهای اقتصادی و در فعالیت‌های اقتصادی، مخصوصاً در بخش بازرگانی و خدماتی، از این ثروت‌ها نصیبشان می‌شود و طبیعتاً همان شکافی که من عرض کردم، پیش می‌آید.

هفت یا هشت اثر مهم برای تورم وجود دارد که اینها را اشاره می‌کنیم؛ من شاید بتوانم فهرست اینها را بگویم و عبور کنم، اما تعمداً یک توضیحی می‌دهم که خود شما هم یک مقداری با این مسائل بیشتر آشنا شوید. گاهی من در صحبت‌های بعضی‌ها می‌بینم که در تجزیه و تحلیل این مسائل، مطالبی را می‌گویند که ناشی از کم‌اطلاعی است؛ گاهی حتی بعضی از هم‌لباسان ما در یک جمعی که غیر حوزوی هستند، کاسب و بازاری و کارمند هستند، ولی اهل مطالعه هستند و اطلاعات دارند، اینها یک اظهاراتی می‌کنند که مایه اشکال می‌شود. بعضی از ما فکر می‌کنیم که با یک هم‌بحث مباحثه می‌کنیم و یک اصرارهایی می‌کنیم و روی یک مسئله غلط پافشاری می‌کنیم؛ این درست نیست. اگر من گاهی مطالب را اینجا بیشتر توضیح می‌دهم، برای اینکه این یک زمینه‌ای شود و خود شما مطالعاتی داشته باشید. اینها واقعاً گاهی یک کلاف سر در گم می‌شود. از یک طرف در این شرایط فرض بفرمایید یک دولت می‌گوید حقوق‌ها را افزایش بدهیم؛ الان قیمت‌ها نسبت به پارسال چقدر اضافه شده؟ ۴۵-۵۰

درصد. اگر بخواهیم جبران وضعیت حقوق‌بگیران ثابت را کنیم، باید ۴۵-۵۰ درصد حقوق‌ها را افزایش بدهیم. اما می‌دانید این چه فاجعه‌ای به دنبال دارد؟ چه مشکلاتی خود این به صورت غیر مستقیم متوجه همان کسانی می‌کند که حقوقشان افزایش پیدا کرده است. چند سال پیش این اتفاق افتاد و حقوق‌ها را ۵۷ درصد افزایش دادند؛ این به نظر بدوی خوب و کمک به مردم است؛ اما خود این افزایش در این حد، یک مشکلاتی درست می‌کند که اگر این اشخاص بدانند، خودشان می‌گویند حقوق ما را به این شکل اضافه نکنید. مسئله کنترل تورم و نظارت و ضابطه‌مند کردن توزیع درآمد و ثروت، یک مسئله‌ای است که با یک کار نمی‌توان آن را حل کرد؛ یک مجموعه‌ای از امور باید کنار هم قرار بگیرد تا این مشکل را حل کند. منتها ما گاهی از روی سادگی می‌گوییم همین را افزایش بدهیم و مسئله حل است. به قول معروف می‌خواهد ابرویش را درست کند، چشمش را هم کور می‌کند. اگر یک مقداری این بحث طول می‌کشد، هم لازم است به عنوان موضوع‌شناسی بحث خودمان، و هم یک زمینه‌ای باشد برای مطالعه بیشتر.

«والحمد لله رب العالمین»